



توفان

۶ صفحه

ارگان مرکزی حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران
پرترهای جهان متحد شوید

استالین معلم پرترهای جهان

● نام رفیق استالین از مدتها پیش در
وجدان ملل همه کشورها بصورت
درفش صلح و دوستی درآمده است

رفیق استالین یکی از رهبران برجسته جنبش کمونیستی جهان است. او نه فقط یک رهبر عالیقدر برای حزب بلشویک شوروی بود بلکه جنبش کمونیستی جهان در زمان حیات او و تحت رهبری داهیانوی از یک پیروزی، به پیروزی دیگری دست یافت. آنگاه که دشمن کمونیسم چون دارودسته رویزیونیستهای خروشچی فرصت یافتند بر جنبش کمونیستی حمله کنند، دیگر استالین در قید حیات نبود. دشمنان کمونیسم چه در دوران حیات وی یا بعد از وی دائما او را مورد هدف قرار داده سعی کردند، کینه طبقاتی خود را در زیر نقاب حمله به استالین ظاهر سازند. مارکسیست لنینیستها برای مبارزه، با رویزیونیستهای رنگارنگ، رفیق استالین و آثار وی را بمثابة معیار قضاوت بر بقیه در صفحه ۲

معنای آزادی در قاموس دولت ضد انقلابی بازرگان

اقدام به فروش روزنامه‌های "کمونیستی" میکند؟ فروشنده اظهار میدارد که این نشریات دمکراتیک بوده و بر فرض اگر کمونیستی باشد مگر چه عیبی دارد؟ پس انقلاب کردیم برای چه؟ پس آزادی یعنی چه؟ اگر شما روزنامه‌های کمونیستی دوست ندارید نخوانید، بگذارید کسانی که دردشان درد کمونیستها است اینها را بخوانند. از آن گذشته چه کسی فروش اینگونه نشریات را ممنوع کرده است؟ و شما بدستور چه کسی باینجا آمده‌اید؟ اگر فروش اینگونه نشریات قدغن است چرا دولت از طریق روزنامه‌ها و یا رادیو و تلویزیون آنرا با اطلاع همه نمیرساند تا ما هم بدانیم که چه روزنامه‌ای قانونی و چه روزنامه‌ای غیر قانونی است. ماموران کمیته از گفته‌های فروشنده سخت عصبانی شده و با کمال وقاحت و بیشرمی نشریات مذکور را بآتش کشاندند و فروشنده را تهدید کردند که اگر دوباره اقدام به فروش اینگونه نشریات "غیر اسلامی" بنمائی، دکات را مانند چند دکه دیگر در کرج بآتش میکشیم و وقتی فروشنده اظهار داشت برای این نشریات پول پرداخت کرده است، باو جواب دادند که دفعه دیگر نه تنها دکه را میسوزانند، بلکه باید جریمه نقدی معادل ۳۰۰۰ ریال را نیز پرداخت کند (معلوم نیست که این قوانین با چنین جزئیاتی در کدام مرجع قانونی به تصویب رسیده است که توده مردم از آن بی اطلاعند). در خاتمه از فروشنده به روش ماموران ساواک درخواست میشود که اگر شخصی برای گذاردن چنین نشریات "غیر اسلامی" بدکه تو بقیه در صفحه ۵

بعد از قیام مسلحانه خلق ما که با نثار خونهای فراوان فرزندان میهنمان به پیروزی رسید، انتظار داشتیم به این ابتدائی ترین حق مسلم خلقها یعنی آزادی دست یابیم ولی هر روز که میگذرد بیشتر درمییابیم که ذره‌ای بآن آزادی که آنقدر برایش جنگیدیم، دست نیافته‌ایم. و دولت سرمایه‌داری بازرگان هیچ کوششی در راه برقراری آزادی بعمل نیاورده، سهل است در مقابل اختناق و اعمال زور و فشار از طرف عده‌ای عناصر معلوم الحال سکوت اختیار کرده است. هر روز دراطراف خود مشاهده میکنیم که چگونه آزادی را مثلثه میکنند. (حمله به تظاهرات، بآتش کشیدن کتابخانه‌ها و اخیرا "سوزاندن کودکی سه ساله که جرمش خوابیدن در ماشین حاوی کتاب بوده و... در زیر گزارشی از سوزاندن نشریات دمکراتیک دکاهای واقع در عظیمیه کرج توسط ماموران کمیته امام کرج می‌آید: این دکه تنها محل فروش مطبوعات عظیمیه میباشد. کمیته امام کرج در صد متری آن قرار دارد. روز پنجشنبه ۵۸/۳/۲۴ پنج نفر از کمیته امام با جیب مخصوص خود باین دکه هجوم می‌آوردند و صاحب دکه را مورد بازخواست قرار داده مبنی بر اینکه چرا دولت موقت بازرگان سخت مشغول مرهم نهادن بر زخمهایی است که بدست خلقهای ایران بر پیکر امپریالیستها بویژه امپریالیسم آمریکا بجا مانده است. این دولت که با سازشی انکارناپذیر بر ماشین دولتی سرسپردگانی چون هویدا و بالاخره همپالکی دیرینه خود بختیار نشسته است، اکنون با براه انداختن این ماشین دولتی، بی کم و کاست همان ابزار سرکوبگر ضد مردمی را بکار گرفته است. این ماشین دولتی که با سلام و صلوات و عطا به پیش میرود بر سر راهش جشن کتابسوزان براه می‌افتد، مجاهد و فدائی و کارگران صنعت نفت راهی شکنجه گاهها و زندان اوین میشوند، گرد همایی مردم بچوب و چماق بسته میشود، ارتشیان از ورود بهر جمع سیاسی و اجتماعی منع میشوند، مراسلات پستی همچون عقاید تفتیش میشود، قانون اساسی بدست "خبرگان" مؤمن به "مالکیت مقدس" و مجلس مؤسسان بدست فراموشی سپرده میشود. قانون سیاه - ۱۳۱۰ باجرا درآمده و به هر عمل انقلابی مهر ضد انقلاب فرود می‌آید مع الوصف جیغ و داد عمال این دولت مثل همپالکی هایش در دیگر نقاط عالم بلند است که با اینهمه آزادی و دمکراسی اعطائی مردم نمیدانند چه کنند؟! بقیه در صفحه ۲

دولت ضد انقلابی و تفتیش عقاید

دولت موقت بازرگان سخت مشغول مرهم نهادن بر زخمهایی است که بدست خلقهای ایران بر پیکر امپریالیستها بویژه امپریالیسم آمریکا بجا مانده است. این دولت که با سازشی انکارناپذیر بر ماشین دولتی سرسپردگانی چون هویدا و بالاخره همپالکی دیرینه خود بختیار نشسته است، اکنون با براه انداختن این ماشین دولتی، بی کم و کاست همان ابزار سرکوبگر ضد مردمی را بکار گرفته است. این ماشین دولتی که با سلام و صلوات و عطا به پیش میرود بر سر راهش جشن کتابسوزان براه می‌افتد، مجاهد و فدائی و کارگران صنعت نفت راهی شکنجه گاهها و زندان اوین میشوند، گرد همایی مردم بچوب و چماق بسته میشود، ارتشیان از ورود بهر جمع سیاسی و اجتماعی منع میشوند، مراسلات پستی همچون عقاید تفتیش میشود، قانون اساسی بدست "خبرگان" مؤمن به "مالکیت مقدس" و مجلس مؤسسان بدست فراموشی سپرده میشود. قانون سیاه - ۱۳۱۰ باجرا درآمده و به هر عمل انقلابی مهر ضد انقلاب فرود می‌آید مع الوصف جیغ و داد عمال این دولت مثل همپالکی هایش در دیگر نقاط عالم بلند است که با اینهمه آزادی و دمکراسی اعطائی مردم نمیدانند چه کنند؟! بقیه در صفحه ۲

حزب توده و تهرانی شکنجه‌گر ساواک

تهرانی جلاد معروف ساواک حتی در آخرین لحظات عمر ننگین خود بارتجاع وفادار ماند و تلاش نمود تا با سریال کذائی خویش بهترین شومن تلویزیون گردد. با این تفاوت که اگر سابقا از شاه تمجید میکرد و انقلابیون را مورد حمله قرار میداد اینبار با تبعیت از جمهوری اسلامی همان نقش ننگین خویش را بازی کرد و اگر دولت فعلی بهاس این خدمات "ارزنده‌اش" او را زنده نگذاشت تنها وحشت از خشم توده‌هایی بود که از جنایات این مزدور کثیف با هیچ آیه‌ای نمیگذشتند. تهرانی چه چیزی را میخواست افشا کند؟! آیا ملت قهرمان ایران توسط سازمانهای رزمنده خویش و انقلابیونی که بدست توانای توده‌ها از زندانها آزاد شده بودند نمیدانستند که سپروس نپاوندی یک چهره کثیف پلیس بود؟! و یا شهرداری خائن که در رهبری تشکیلات تهران حزب توده قرار داشت جاسوس هزار چهره‌ای بود که با هر هزار چهره خویش در خدمت ساواک بقیه در صفحه ۲

در حاشیه دعوت وزیر خارجه از سازمانهای سیاسی کشور برای گردهم آیی ۷ تیر ۱۳۵۸

وجود مبارک آقای دکتر یزدی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران را تب دمکراسی ناگهان فراگرفته، از کلیه سازمانهای سیاسی و احزاب مملکت، برای مذاکره، بحث و نظرخواهی در باره سیاست خارجی کشور دعوت بعمل آورده است! نظر لطف جناب آقای وزیر تا بدان حد بلند است که از جانب وزارت خارجه، از کلیه سازمانهاییکه دسترسی به آدرس آنها موجود نبوده معذرت خواهی کرده و این دعوت را از طریق مطبوعات بعمل آورده است!

حزب ما این اقدام را نه از سر صداقت، نه از سر عشق به دمکراسی و آزادیخواهی، بلکه اقدامی از سر توطئه و ریاکاری ارزیابی میکند. در شرایطی که دولت و کمیته‌ها هر نفخه آزادیخواهی را در ایران سرکوب میکنند، این ژست "دمکراتیک" وزیر امور خارجه به یک کمدی توطئه آمیز جهت آرایش چهره دولت به رنگ و روغن دمکراسی، نزدیکتر است تا بگامی خیر خواهانه و صمیمانه برای تبادل نظر با نیروهای سیاسی، مختلف در مورد سیاست خارجی! هنوز خونهای سرو دست شکسته در جریان هجوم فاشیستی به میتینگ جمعه گذشته در بقیه در صفحه ۵

باز سازی ساواک و تفتیش عقاید

یکی از بارزترین خصوصیات دولتهای ضد انقلابی وحشت آنان از بیداری خلق، بویژه کارگران و دهقانان است. چرا که در حلقه زدن این طبقات، کردار پرچم ظفر نمون گردان پیشتاز طبقه کارگر، دولت ضد انقلابی همواره مرگ خویش را مجسم میبیند. دولت موقت بازرگان نیز برای بعقب انداختن مرگ محتوم خویش به بازسازی ابزار سرکوبگر رژیم مطرود قبلی از ارتش و پلیس و ژاندارمری گرفته تا ساواک شب از روز باز بقیه در صفحه ۲

- گزارشی از کارخانه ریسندگی تبد ۴ صفحه
- گزارشی در مورد زرآباد ۴ صفحه
- سعادت‌ی آزاد باید گردد ۵ صفحه
- اطلاعیه
- دنباله مقاله "نکته ای در باره" سوسیال امپریالیسم شوروی" بعلت کمبود جا در شماره آینده چاپ خواهد شد.

مرگ بر عمال امپریالیسم آمریکا

استالین معلم...

علیه دشمنان طبقه کارگر قرار میدهند ، رفیق استالین را تروتسکیستها ، رویزیونیستهای یوگسلاوی ، خروشچفسکی و "کمونیستهای" اروپائی و دیگر اپورتونیستها همیشه مورد حمله قرار میدهند و این سؤال مطرح میشود چرا اینها دست به چنین کاری میزنند ؟ در واقع آنها در لباس حمله به استالین قصد نابودی جنبش پرولتری در سطح جهان را دارند .

برای زنده نگاه داشتن خاطره رفیق استالین قسمتهائی از سخنرانی یکی از شاگردان باوفای لنین ، مانکف را میآوریم . مانکف بعد از مرگ استالین بزرگ بجانشینی وی انتخاب گردید ولی بعد از کودتای گروه خروشچف ، او نیز از مقامهای حزبی برکنار گردید . رویزیونیستهای خروشچفی برای تحقیر و دور نگهداشتن وی او را به سیبری تبعید کردند ، او با سمت مدیر کارخانه برق شهر کوچکی در سیبری مشغول بکار شد و مثل هزاران کادر برجسته حزب بلشویک شوروی بی اثر گردید . آنچه که در سخنرانی مانکف بچشم میخورد اعمال دیکتاتوری پرولتاریا بر علیه بقایای بورژوازی است و همچنین اعمال دمکراسی برای اکثریت خلق شوروی است ، که استالین بزرگ بطور دائم بر این نکته توجه خاص داشته است .

از سخنرانی مانکف

یکربم قرن است که رفیق استالین ، بنام حزب ، سوگند یاد کرده است که باافتخار و شرف نیات لنین را جامه عمل بپوشاند . رفیق استالین ، ستاره راهنمای حزب ، طبقه کارگر و خلق شوروی در مبارزه تاریخی شان بخاطر دگرگون ساختن اساس زندگی اجتماعی و تحول سوسیالیستی جامعه بود و به همین جهت سوگند او بمثابه ندائی که حزب طبقه کارگر و خلق شوروی را به مبارزه فرا میخواند ، انعکاس یافت .

رفیق استالین ، حزب ما و خلق شوروی را در راهی که لنین نشان داده رهبری کرده است . او از تئوری لنین : امکان پیروزی سوسیالیسم در یک کشور واحد دفاع کرده و آنرا پیش از پیش بسط و توسعه بخشیده است . حزب ما ، باوفاداری به نیات لنین و تحت رهبری رفیق استالین صنعتی کردن سوسیالیستی کشور و اشتراکی کردن کشاورزی - یعنی آنچه را که امکان میدهد اتحاد شوروی یک قدرت سوسیالیستی ، صنعتی و کلخوزی گردد عملی ساخت .

رفیق استالین بهتر از هر کس دیگری ، سخنان پراچ و موشکاف لنین را درباره حزب مارکسیستی از نوع جدید عمیقاً درک کرده است . او از صحت دکترین مارکس ، انگلس و لنین دفاع نموده ، آنرا مصون داشته ، تئوری مارکسیستی لنینیستی را بسط داده و حزب را در مبارزه علیه دشمنان فراوان ، آبدیده ساخته است . او کادرهائی را که قادر به پیش بردن کار خطیر حزب ما باشند ، از کوره مبارزه درآورده است . جهان توانسته است عظمت استالین را در دشوارترین گیرودارهای تاریخ ببیند . در اکتبر ۱۹۱۷ ، زمان جنگهای داخلی ، سالهای مداخله ، زمانیکه او بکمک لنین انقلاب کبیر سوسیالیستی را رهبری میکرد و دشمنان قدرت شوروی را درهم میکوفت و طی جنگ کبیر میهنی که رفیق استالین نیرومندترین دشمنان وطن ما را منهدم ساخت .

رفیق استالین بکمک لنین نخستین کشور سوسیالیستی جهان را تاسیس کرد . میهن نیرومند ما ، سرزمین دوستی ملل شوروی ، زیر درفش لنین و تحت رهبری رفیق استالین ، زندگی کرد ، رشد یافت ، نیرومند و مستحکم گشت . طی دومین جنگ جهانی ، در آنزمان که نیروهای سیهکار فاشیسم جهان راشکنجه میداد و فرهنگ و تمدن بشر را به نابودی تهدید مینمود ، رفیق استالین که در رأس کشور شوروی جای داشت ، نابود ساختن راهزنان هیتلری را شخصاً رهبری نمود ، پیروزی ملل صلحجو را تحصیل کرد و بعنوان آزمودهترین و مشهورترین رهبر ملل ، در پیکار جانانه شان بخاطر نجات بشریت از یوغ فاشیسم جلوهگر شد .

رفیق استالین ، حقا بعنوان دوست بزرگ و وفادار ملل آزاد کشورهای دمکراسی توده ای - که از بند فاشیسم رستهند و ملل چین و کره شمالی که یوغ امپریالیستها را گسسته اند شده است .

باین جهت است که ملل اتحاد شوروی و همه بشریت مترقی ، در شخص رفیق استالین ، رهبر آزموده و معلم و آموزگار خردمند خود را مشاهده میکنند . باین دلایل است که امروز آنان با احساسات گرم و محبت آمیزی عشق و پیوستگی خود را به رفیق استالین ابراز میدارند و قابلیت فوق العاده او را در مبارزه بخاطر زندگی خوشتر انسانها و صلح بین ملل میستایند .

نام رفیق استالین از مدتها پیش در وجدان ملل همه کشورها بصورت درفش صلح و دوستی درآمده است . همه آنها که میخواهند علیه افروزدگان یک جنگ جدید مبارزه کنند ، میدانند و اطمینان دارند ، که با گرد آمدن بدور رفیق استالین مدافع پرافتخار صلح ، فریب نخواهند خورد . بشریت که دهشتها و زجرهای جنگ جهانی اخیر را درک کرده تشنه صلح است . او مصمانه نمیخواهد قضای جدیدی براه افتد . بهمین جهت همه ملل با حق شناسی سیاست پیگیر و آشتی ناپذیری را که رفیق استالین در راه صلح از پیش میبرد ، و از آن دفاع میکند تحسین مینماید .

جنگ افروزان به کشور سوسیالیستی ما زیاد تهمت میزنند ، اما موفق نخواهند شد از وجدان افراد ساده ملل این فکر را بیرون کنند که اتحاد شوروی قهرمان واقعی صلح است ، با روح پیگیر و استوار از صلح جهان دفاع میکند چنانکه رفیق استالین گفت کشور ما قادر است یک سیاست صلحجویانه واقعی - نه ریاکارانه - بلکه شرافتمندانه و صریح را مصمانه و پیگیر اجرا کند و میکند .

دوستی بین الملل که طی فعالیتهای حزب بلشویک در کشور ما بسیار مستحکم مستقر گشته است ، خود پیروزی سترگی را تشکیل میدهد . فقط حزب بلشویک پیش برنده خستگی ناپذیر ایده های انترناسیونالیستی و همدردی بین المللی توانسته است چنین دوستی تزلزل ناپذیر بین ملل را از کوره بدر آورد .

جنگ میهنی ۱۹۴۵ - ۱۹۴۱ آزمایش دشواری برای تمام ملل اتحاد شوروی بود . این جنگ در عین حال آزمایش دشواری نیز برای حزب بلشویک بشمار میرفت حزب بلشویک از این آزمایش با پیروزی و سربلندی وافر بیرون آمد . با وفاداری مطلق به اصول کمونیسم و با بکار بستن دستورات روشن بینانه رفیق استالین ، حزب ما پیوسته خلق را الهام بخشید و نیروهای او را بخاطر مبارزه علیه دشمن تجهیز نمود - کارسازمانی حزب منجر باین گردید که مساعی تمام هم میهنان شوروی و همه سازمانهای توده ای جامعه شوروی متشکل و توجهشان به هدف مشترکی معطوف شد . تمام موانع قدرت کلیه وسائل و مقدرات کشور تابع اجرای یک وظیفه گشت : کوبیدن دشمن . بدین طریق حزب بلشویک یکبار دیگر قابلیت بی اندازه خود را برای تجهیز توده ها در پیچیده ترین شرایط بمنصه ظهور رسانید .

رفیق استالین میآموزد که حزب بلشویک نیرومند است زیرا با وجود قراردادن در رأس ، رشته های روابط خود را با توده های کثیر کارگران حفظ میکند و بر تعداد آنها میافزاید . چیزیکه نیروی بلشویکها را بوجود میآورد اینست که آنها میدانند چگونه میلیونها فعال غیر حزبی را در پیرامون حزب متحد سازند . اگر ما بلشویکها نمیتوانستیم اعتماد توده های میلیونی کارگر و دهقان غیر حزبی را بخود جلب کنیم ، پیروزیهای ما که امروز بدست آورده ایم بدست نمیآوردیم . برای اینکار چه باید کرد ؟ برای اینکار لازم است اعضای حزب خود را از غیر حزبی ها منفرد نسازند و خود را در صفوف حزب محصور نکنند ، از تعلق خویش به حزب فخر و تکبر نفرشوند ،

رفیق استالین به ما می آموزد که امر انتقاد از خود ، پایه حزب بلشویک و پایه رژیم دیکتاتوری پرولتاریاست .

بلکه برعکس به ندای غیر حزبی ها گوش فرا دهند . نه فقط لازم است که آنها غیر حزبی ها را تعلیم دهند بلکه همچنین خود ایشان از غیر حزبی ها تعلیم بگیرند . رفیق استالین در تمام مراحل مبارزه و کوشش خلاقه همه جانبه بخاطر تحول جامعه سوسیالیستی ، پیوسته حزب ما و در درجه اول کادرهای رهبری آنرا از افتادن در چاه خودبینی و مشاهده نکردن اشتباهات برحذر میدارد . یک مسؤل که به اشتباهات توجهی نمیکند و از مشاهده آنها خشنود نمیگردد قادر نیست کار را ترقی دهد - در اینجا - دیگر کار بفرع دولت جریان نمی یابد بلکه به ضرر آن صورت میگردد .

موفقیت در اجرای وظایفی که در برابر حزب قرار دارد ، بطریق کاملا نزدیکی با توسعه انتقاد و انتقاد از خود بلشویکی - شرط اساسی ترقی حزب ما وابسته است . رفیق استالین بما میآموزد که بدون انتقاد از ما قادر به پیشرفتن نخواهیم بود .

که انتقاد از خود مانند هوائی که تنفس میکنیم برای ما ضرورت دارد ، که قدرت بلشویسم در آنست که آشکارا از انتقاد نمیترسند و با انتقاد از اشتباهات خود ، نیروی لازم برای پیشروی را گرد میآورند .

بقیه در صفحه ۳

حزب توده ...

بوه ؟ ! و آیا مردم نمیدانستند آن قهرمانانی که باتهام فرار از زندان به گلوله بسته شدند داستان ساختگی شان دروغی بیش نبود و آنها توسط جلادان ساواک بقتل رسیدند ؟ ! تهرانی چه چیزی را افشا نمود ؟ آیا جز تکرار یک سری دانسته ها که در قلب هر زندانی سیاسی بمراتب بیش از آن مطلب نهفته است ، چیز دیگری گفته است ؟

اما حزب توده معتقد است که تهرانی " اسرار " فاش نمود . چه سزی را تهرانی فاش کرد ؟ آیا تهرانی گفت که چگونه حزب توده در شبکه ای از پلیس محصور است ؟ آیا تهرانی از پسران دکتر یزدی که برای شاه جاسوسی میکردند سخنی بر زبان آورد ؟ آیا از اسنادی که در ساواک سفارت ایران در ژنو بدست آمده بود سخنی رانده است ؟ همان اسنادی که نشان میداد چگونه حزب توده در چنگال سازمان جهنمی امنیت " ساواک " اسیر است .

آیا تهرانی گفته است که سازمان انقلابی و حزب توده دوروی یک سکه بیش نیستند ؟ خیر ، تهرانی از این " اسرار " چیزی بر زبان نیاورد و بهمین جهت مورد ستایش " مردم " ارگان مرکزی حزب توده قرار میگیرد . حزب توده در سرتاسر مقاله های که در شماره ۳۰ مردم در باره دادگاه تهرانی انتشار داده بود ، هیچ سخنی از این برنامه های از پیش بررسی شده که چیزی جز نیرنگ امپریالیسم و حمله به برخی سازمانهای رزمنده بخصوص چریکهای فدائی خلق که در نتیجه حمله به کمونیسم بوده است سخنی نگفته است .

حزب توده نگفته است که نمایش تلویزیونی تهرانی همان هدفی را دنبال میکند که امپریالیسم توسط دیگر دستیارانش در تظاهرات ، در میتینگها ، در کارخانجات ، در ادارات ، و دنبال میکند .

اما در عوض حزب توده در مقاله فوق با حمله به سازمان انقلابی پلیسی سعی نمود افکار عمومی را از مسئله خویش دور سازد چرا که تهرانی از تشکیلاتی که توسط پلیس و بدست توده پی ریزی شده بود نیز حرف زد که حاصل آن دستگیری و شهادت دهها رزمنده انقلابی از جمله گروه جزنی بوده است . چرا حزب توده از اهداف این سخنرانی که توسط ایادی امپریالیسم ترتیب یافته بود سکوت کرد ؟ آیا واقعا " دولت برای افشاکاری ، این " سریال " را ترتیب داده بود ؟ اگر دولت قصد افشاکاری داشت از محاکمات هویداها ، از محاکمات نصیری ها از اسنادی که در ساواک بدست آورده بود و از هزاران موضوعی بقیه در صفحه ۵

برنامه فارسی رادیو آلبانی

سالمات که رحمکشان ایران ، محروم از شنیدن صدای یک رادیوی انقلابی ناچار به تحمل لاپلائاتل انوع رادیوهیای امپریالیستی ، سوسیال امپریالیستی ، بورژوازی و مرتجع برای بیرون کشیدن نور کوچکی از حقیقت از لایلای دروغ پراکنی های این حضرات هستند .

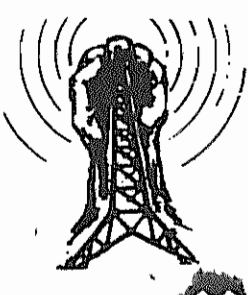
ما امروز با شرف و شادی بسیار میتوانیم خبر خوش آغاز فعالیت یک رادیوی انقلابی بزبان فارسی : رادیو تیرانا ، صدای آلبانی سوسیالیستی ، این پشتیبان تزلزل ناپذیر کارگران ، زحمتکشان و خلفهای ستمدیده جهان را به اطلاع کلیه شیفتگان آزادی ، صلح و سوسیالیسم برسانیم .

فعالیت رادیو تیرانا بزبان فارسی از روز جمعه ۱۱ خرداد ۱۳۵۸ آغاز شده است .

صدای آلبانی سوسیالیستی در ساعتهای :

- ۸/۵ - ۹ با مداد روی طول موج ۳۱ و ۴۱ متر
- ۱۰ الی ۱۰/۵ شب روی طول موج ۳۱ و ۴۲ متر
- ۱ الی ۱/۵ بعد از نصف شب روی طول موج ۲۵ و ۳۱ متر که در تمام ایام هفته پخش میشود گوش کنید .

(۷۰۶۹ کیلوهرتز) ۴۲ متر
(۷۳۰۰ کیلوهرتز) ۴۱ متر
(۹۴۸۰ کیلوهرتز) ۳۱ متر
(۹۵۰۰ کیلوهرتز) ۳۱ متر
(۱۱۹۸۵ کیلوهرتز) ۲۵ متر



اخبار شهر و روستا

(چاره رنجبران)

وحدت و تشکیلات است!



گزارشی از کارخانه ریسندگی تبد

مهمترین عاملی که زحمتکشان میهن ما (یعنی ستون فقرات انقلاب ایران) را وا میداشت ، بدون هیچگونه هراسی مقابل رقبای گلوله‌های رژیم ضد کارگری ضحاک محمد رضا شاه قرار بگیرند و با خون پاکشان انقلاب ما را آبیاری کنند ، وجود ستم طبقاتی بود که آنها با گوشت و پوست و استخوان خود لمس میکردند و هر روز به میزان آن افزوده میگشت و زحمتکشان به امید برحیده شدن بساط این استثمار هزاران قربانی دادند . ولی پس از سرکونی رژیم شاه دولت سرمایه‌داران بر جای آن نکیه زده و همان شیوه‌های رژیم گذشته را نسبت به این طبقه ادامه میدهد و بجای بهبود شرایط زحمتکشان تمام هم خود را برای دفاع و حمایت از دشمن طبقاتی آنها یعنی زالوهای اجتماع فرار داده و سند ریر نمونه‌ایست از آنچه که در سرتاسر این سرزمین بر این طبقه محروم میگردد .

کارخانه ریسندگی تبد :

در شهر صنعتی البرز تا قبل از قیام بهمن ماه حدود ۹۰۰ نفر در دو شیفت کار میکردند . دو برادر بنام حداد که از سهامداران عمده این کارخانه بودند ، طبق اظهار کارگران حتی روزهای تعطیل هم دست از کارخانه برنمی‌داشته و همیشه در آنجا بسر میرده‌اند که بعد از قیام یکی از آنها به خارج از کشور سواری شده و دیگری نیز کمتر در آنجا آفتابی میشده است .

حقوق حد اقل ۲۵ تومان و حد اکثر (برای کسانی که از بدو تا سیس ، یعنی ۱۳۴۹ تا بحال در آنجا کار میکنند) ۴۹۸ ریال میباشد . آنچه که از مشاهده کارخانه بدست می‌آید قسمت حلی کمی از دستگاهها مشغول بکار است . مثلاً "در یکی از قسمتها از ۳۵ (ماسین سری تولید نخ) فقط ۱۲ عدد آن کار میکند . دیگر قسمتها هم چنین وضعی دارند . کارگاه دارای چهار سبب است ، تعداد کارگرانی که در حال حاضر در این واحد مشغول بکار هستند ۳۰۰ تن میباشد که اکثر آنها بی سواد و با از سواد کمی برخوردارند . کارگاه از یک سالن خیلی بزرگ شکل شده که تقریباً قسمت اعظم آنرا دستگاههای ریسندگی اشغال کرده . سقف آن بائین و خیلی تاریک و تنفس بویژه محاضر کرد سبب مشکل است . اخیراً بخاطر تراکم و ازدیاد

سکاری حد در رمبه کارگران ساده و حه تحصیلکرده‌ها به توصیه کسب در حدود نزدیک به دوماه قبل کارفرما مجبور به استخدام ۲۰ تن دیلمه (با حقوق ۱۳۰۰ تومان در ماه) میشود . این اسخاص به محض ورود به کارخانه در همان روزهای اول وقتی با شرایط کار کارگران در آنجا آشنا میشوند و شدت استثمار را در مییابند و از آنجائیکه کارگران در وجود آنها حامیانی را در مییابند شروع به درد دل میکنند و کارفرما که از این وضع حوشش نمی‌آید برای بد رفتاری و برچسب زدن به آنها را متکذارد و در همان سه ، چهار روز اول ۱۷ تن از آنها که قادر به تحمل شرایط خفکان و استثمار نبودند تصمیم به بیرون رفتن میگیرند . سه تن باقیمانده که تحمل بیشتری داشتند تصمیم میگیرند بمانند و تا حد امکان شرایط را تغییر دهند . بعد از مدتی حدود بیش از یکماه کار در آنجا و تماس با کارگران مورد اعتماد کارگران قرار گرفته در اولین فرصت تصمیم به ایجاد شورای کارخانه میگیرند و دو تن از آنها هم بعنوان نماینده انتخاب میشوند . ولی کارفرما که حضور این نماینده‌ها و بویژه آن دو تن را برای عاقبت کارش زیانمند میبیند با دستکاری

کمینه امام شهر صنعتی البرز و برچسب کمونیستی آنها را اخراج مینمایند . ناگفته نماند که کارفرما مجبور میشده به کارگران که بیکارچه از این نماینده‌ها پشتیبانی میکردند رشوه بدهد و قرار میگذازد که به هر کدام ۹ تومان در روز و به ازاء هر سال سابقه کار یک تومان به حقوقشان اضافه کند ، که البته ابلاغ این افزایش را در روی شیشه نگهبانی دم درب هم الصاق کرده ، باین ترتیب کارگران را فریب میدهد . چون کارفرما همین وعده خود را هم کامل انجام نمیدهد و وقتی کارگران برای دریافت حقوق مراجعه میکنند ملاحظه میکنند مبلغ دریافتی خیلی کمتر از آن مبلغ وعده داده شده میباشد .

وضع دستمزدها خیلی پائین است ، طوری که زندگی کارگران بسختی میگردد . برای مثال کارگری که ۹ سال سابقه کار دارد فقط ۱۱ تومان بجای ۱۸ تومان اضافی وعده داده شده دریافت کرده است و از بدو تا سیس کارخانه اینجا کار میکرده است و فقط ۴۹۸ ریال حقوق میگیرد ، با این گرانی موجود و این حقوق و چند سر عائله ، او چطور میتواند زندگی کند ؟ ! کارگری که ۲۵ تومان دستمزد میگرفت هفته گذشته استعفا داد تا در کارخانه فر نخ که ۳۲ تومان حقوق میدهند استخدام شود . کارگران اگر در کارخانه ناقص شوند پای خودشان است نه کارفرما ، نه بیمه هیچکدام توجهی ندارند . کارگری که انگشت شستش را در کارخانه طی حادثه‌ای از دست داده بود توسط کارفرما اخراج گردید و الان آمده است تا بعد از انقلاب بتواند حق خودش را بگیرد .

از بعد از انقلاب وضع کارگران هیچ تغییری نکرده است ، کارفرما به عمد دستگاهها را خوابانده است ، بیکاری باعث شده است که هر کدام از کارگران تهدید به اخراج بشوند و تا بخواهند حرفی بزنند و برعلیه وضعشان اعتراض کنند ، با مهر کافر و کمونیست دهانشان را میبندند . تمام افراد شارلاتان ، تمام آنهائیکه تا دیروز از رژیم گذشته طرفداری میکردند و عکس شاه را از اطاق خویش برنمی‌داشتند ، امروز طرفداران آقای خمینی شده‌اند و حق کارگران را با این چهره گول زنده بالا میکشند . *

گزارشی در مورد زرآباد

زرآباد بمانند دیگر روستاهای ایران از فقر و گرسنگی و بی بهداشتی ، نبودن دکتر و دارو و ... مجزا نمیباشد به هر گوشه این ده که بنگریم فقر است و گرسنگی . زرآباد دهی است با بیش از ۲۰۰۰ نفر جمعیت . دهی تقریباً بزرگ در منطقه رودبار الموت قزوین . زرآباد بمانند دیگر نقاط ایران دستخوش نتایج " انقلاب " کذایی محمد رضا شاهی قرار گرفت ، بطوریکه بیشتر جوانان یا بهتر بگوئیم تمام جوانان این ده برای درآوردن حقوقی ناچیز و برای فرار از گرسنگی عازم شهرها شده‌اند و درکارخانه‌ها و مؤسسات و کافه‌ها بکار مشغولند تا با پول بخور و نمیری که بدست می‌آورند بتوانند هم‌خود و هم پدر و مادر خود را از گرسنگی نجات دهند . زمینهای این قریه کفاف جمعیت را

نمیکند و آنها با کمبود زمین روبرو هستند و بزبعلت نداشتن بهداشت درست و کثرت جمعیت در مخصه گیر کرده‌اند . کشاورزان این ده کماکان بشکل قرون وسطائی با خیش و گاواهن زمین را شخم میزنند و دهقانان کم زمین بیشتر وقت خود را برای خرده مالکین کار میکنند تا چند تومانی بدست بیاورند . در سال ۴۶ این روستا باصطلاح لوله کشی شد . همان بس که بگوئیم مردم کماکان از چشمه آب خوردن تهیه میکنند ، و اینهم بعلت نبودن برنامه صحیح لوله کشی میباشد . حمام کثیف باصطلاح لوله کشی شده که با مساعدت خود دهقانان ساخته شد فاقد هر گونه بهداشت میباشد .

دهقانان این روستا به لطف باصطلاح " انقلاب سفید " کذایی هر کدام مبلغ هنگفتی به بانک کشاورزی بدهکار میباشند . در این روستا اثری از دکتر و دارو نمیباشد و برای دوا و درمان خود مجبورند به مرکز بخش یعنی معلم کلایه که تقریباً ۶ کیلومتر راه است با قاطر یا الاغ بروند و در آنجا دکتری پاکستانی که به زبان فارسی هم آشنا نیست میتواند حتی طبیب تن رنجور این دست پینه بستگان باشد . کمبود آب برای آبیاری همه ساله مشکلی بزرگ است زیرا این آب از رودخانه تهیه میشود و آن بستگی به وضع هوا و میزان بارندگی در سال دارد . *

نامه های رسیده

رفیق گرامی "مازندرانی مشتاق"

نامه پرمحبت شما را دریافت داشتیم و از راهنماییهای شما از جهت مخفی کاری بی اندازه تشکر میکنیم و مطمئن باشید که اساس کار سازمانی ما مبتنی بر مخفی کاری میباشد و در این امر ما خود نیز اصرار میورزیم .

دست شما را میفشاریم

رفیق گرامی :

اشعار شما مبنی بر اینکه "خانه از پای بست ویرانست ... " را دریافت کردیم و در هر فرصت از آن استفاده خواهیم کرد . تقاضای شما برای دریافت مقالات کارگری کاملاً مورد توافق ماست همانطوریکه خودتان اشاره کرده‌اید حزبمان تا حال قادر گردیده است نشریات متعددی برای اشاعه مارکسیسم لنینیسم چاپ نشر کند و در آتیه نیز بتعداد فروشندگان نشریات خود خواهیم افزود . از همکاری تان متشکریم .

رفیق عزیز ح - ح

نامه شما را از سندنچ دریافت داشتیم بزودی ترتیب پخش بیشتر را در شهر شما خواهیم داد . ما از صمیم قلب به همکاری با شما موافقیم . لطفاً ارتباط خود را با ما حفظ کنید . متشکریم .

نامه‌ای از هواداران :

رفیق گرامی . ما جواب رفسنجان را در مقاله‌ای از ارگان مرکزی داده‌ایم .

م - ت :

همانطوریکه اطلاع داده‌اید رادیو آلبانی ، تیرانا هر روز سه برنامه بزبان فارسی دارد . صدای فارسی تیرانا ، صدای جنبش کمونیستی جهانی است و پشتیبانی آن از جنبش کمونیستی جهانی و از آنجمله از حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران جزءوظائف انترناسیونالیستی حزب کارآلبانی است . *

دفاع از آزادی های دموکراتیک

نوبت ضد...

هی شناسد . این دولت نه تنها به تحکیم دو بخش از ساواک که توانسته است از ضربه مرگبار خلق جان سالم بدر برد همت گماشته است ، بلکه برای بازسازی دیگر بخشهای ساواک ، پرداخت تمام و کمال پاداش مزدوران جنایتکار از دسترنج زحمتکشان برای فرا رسیدن اول برج دقیقه شماری میکند . ولی تا سرو سامان دادن به بخشهای از هم پاشیده ساواک ! " حزب جمهوری اسلامی " عهده دار تکمیل پرونده و تعقیب نیروهای ضد امپریالیستی شده است . این " حزب " هیئتیهایی را برای ارزیابی و ردیابی گروهها ، سازمانها و احزاب مترقی و ضد امپریالیستی برگماشته است ، اینان با همکاری دیگر همپالکی هاشان میکوشند تا با دامن زدن به مبارزه علیه مبارزین راه را برای تحکیم و استقرار رژیم امپریالیسم شاه هموار سازند .

تفتیش پست و تلگراف

میراث شوم رژیم مطرود شاه به دولت موقت بازگان رسیده است . این دولت که همچون پیشینیان خود از تبادل نظرات و ارسال مطبوعات روشنگر ، وحشتی عظیم دارد ، به روش شاه زبانه دان تاریخ ، یکی از عمالش را برای بوکسیدن مراسلات پستی ، در وزارت پست و تلگراف مقیم کرده است . در حکم مقام کذائی به شماره ۱۵۲۷ آمده است : " وزارت پست و تلگراف ، جناب آقای دکتر اسلامی : بدینوسیله آقای مهدی نژاد اصفهانی از طرف دادستانی کل انقلاب اسلامی ایران معرفی میگردد . ایشان مجازند تا در مورد محمولهها و نامهها و بستههای پستی بررسی های لازم را بعمل آورند . به پیوست کلیه کتب و نوارها و اشیاء مضره و مفسده اخلاق کشف شده ، پس از گزارش به اینجانب با نظر دادستانی کل مستردخواهد شد . - امضاء دادستان کل انقلاب اسلامی ایران " دولت موقت پس از سانسور و کودتا در مطبوعات و با تش کشیدن کتابفروستی ها ، همانند کلیه مرتجعین تحت عنوان "کتب مضره و نوارهای مفسده " با چنگ زدن به ریسمان پوسیده قانون سیاه ۱۳۱۵ میکوشد با تفتیش نامهها و مراسلات پستی و تلگراف ، روی محمد رضا شاه مطرود و رضا خان را سفید کند . این تشابه استعمال کلمات و واژههای رژیم سر سپرده قبلی اتفاقی و یا اشتباه نمیباشد که تقارن این هر دو از عملکرد و اشتراک جانمایه آنان نشأت میگیرد .

زندانی اوین

در قیام خونین بهمن ماه ۵۷ در آن هنگام که خلق قهرمان ایران بسوی قصرها و قلعهها و اوین میشتافت ، سازشکاران و وعاظ که هم اکنون جلوه بر محراب و منبر میکنند ، آنان را از فتح باستیل بر حذر میداشتند . وقتیکه زندان اوین بدست توانای این خلق فتح گشت ، خبر این پیروزی قلب آزادگان را در اقصی نقاط جهان در شادی فرو برد و پیکر مرتجعین و امپریالیسم را رعشه مرگ فرا گرفت . در آن ایام که چندی پیش از آن نمیگذرد ، مردم گروه گروه به تماشای این شکنجهگاه به مثابه موزهئی در دل تاریکه تاریخ شاهنشاهی میرفتند . که ناگاه پاسداران راه را بر تماشاگران بستند . و درهای زندان را بروی فرزندان دلاور خلق گشودند . بار دیگر زندان اوین به شکنجهگاه کارگران ، فرزندان راستین خلق از فدائی و مجاهد تبدیل گشت هنوز جراحات بجای مانده از دست شکنجهگران رژیم مطرود بر جان و روح مبارزین سنگینی میکند که شلاق جلادان تازه نفس بر پیکر فرزندان صدیق میهنمان فرود میآید . هنوز خونهای فرو ریخته بر در و دیوار زندان اوین خشک نگشته که خونهای تازهتری بدست این ساقیان جدید بجام امپریالیستها فرو میچکد . دولت موقت بازگان با دستیابی به برونده کسانیکه در راه مبارزه با امپریالیسم و رژیم سرسپرده شاه مطرود جان بر کف میبکنیدند ، امروز به بیکرد و دستگیری و شکنجه آنان همت گماشته است چرا که کل افنخارات اینان در مبارزه بر علیه مبارزین واقعی بوده و میباشد .

خلع سلاح

دولتی که ریشه در لجنزار وابستگی به امپریالیسم میدواند ، و به باد دعای وعاظ و نقاب مذهب متکی است ، از خلق مسلح مثل جن از بسم الله میهراسد . وحشت مرگ را در چشمان دریده ستمگران ، از سلاخی که در کف انقلابیون و مبارزین است بوضوح میتوان دید . اینان که خلق را نه تنها بقیام مسلح تشویق و تشجیع نکردند ، امروز لحظه ای تردید در دادن فتوی و صدور دستور خلع سلاح روا نمیدارند . چرا که تاریخ بیانگر وحشت

ستمگر از ستمدیده مسلح است . بهانه مرتجعین بر سر خلع سلاح خلق اینست که " مبادا سلاح در دست افراد ناباب قرار گرفته باشد !! " پیداست که اگر منظور حضرات عمال امپریالیست و ساواک میبود که هم اکنون جایشان یابرمسند قدرت است و یا ویادرحال ناز و نوازش و آموزش گناهان خویشند و دستیابی بآنان

برای دولت جزءسهلترین امور بحساب میآید ، پس غرض از اینهمه بگیری بگیری ، خلع سلاح عناصر انقلابی و نیروهای مبارز است که دستیابی این دولت به چند قبضه سلاح و فشنگ و باروت از چریکهای فدائی موجب جشن و سرور کلیه مرتجعین و ضد انقلابیون گشت و خود نشانه ای بود از دروغ آشکار ایشان در هجوم برای خلع سلاح " افراد ناباب " !

چماقداران

دولت موقت بازگان با کل وعاظش در سرکوبی نیروهای ضد امپریالیستی و آنانکه دل در گرو رهایی زحمتکشان برهبری گردان پیشتاز طبقه کارگر دارند ، نه تنها " وحدت کلمه " دارند ، بلکه از " وحدت عمل " نیز برخوردارند . اینان که مدعیند هیچ شباهتی به آدمهای شرقی و غربی ندارند ، همانند دولتهای همپالگی شان در کشورهای شرقی و غربی از سویی دم ازمکراسی بی نظیر میزنند ، از سویی دیگر حتی چماقداران متشکل و بقیه در صفحه ۵

مسابقه

چون تمام مهرهها بر جای خود باقی هستند، مادامیکه عوامل فاسد در سنگرهای خود هستند و افراد سالم جای آنها را نگرفتهاند ، هیچ کاری درست نخواهد شد .

" مردم " حرف شهردار میانه را خدمت به امپریالیسم دانسته و در توضیح این مسئله چنین ادامه میدهند : " آنطوریکه شهردار میانه میگوید ، پرده کشیدن بر واقعیت است . و بدتر از آن اعلام اینکه - استبداد همچنان هست و تنها سر عوض شده - دروغ بزرگی است که هدفش بی اعتبار کردن انقلاب و رهبری انقلاب و در نتیجه تضعیف هر دو است .

بگمان ما اینگونه سخنان ، سوا از هر نیتی که پشت آن باشد ، بسود ارتجاع و امپریالیسم زخم خورده است و بس .

خفت و خواری برای رهبران خائن کمیته مرکزی حزب توده همین بس که گفتار شهردار میانه متعلق به هیئت حاکمه را ، که در اینجا مسئلهای بیان کرده که گفته قاطبه مردم ایران است ، و هر روز و شب و در هر گوشه و کناری فریاد مردم در این باره بلند است ، را نیز توجیه کرده و به شیوه همه خائنین مدافع سرمایه داری میگردد . هر کس به سادگی میتواند درک کند بعد از انقلاب بهمن ماه ۱۳۵۷ تمام دستگاههای دولتی برجای خود باقی ماندند و حتی ساواک مشغول بکار خود است و غیر از چند نفر بالا ئیهای آنها بقیه تیرئه و شامل عفو میشوند .

واقعیت امر اینست که خرابی کار در سیستم بحدی است که تضاد بین نیروهای موجود در هیئت حاکمه را تشدید بخشیده و تآثرات آن نیز کم و بیش متبلور است . مبارزات کارگران و دیگر زحمتکشان ادامه دارد ، بیکاری بیداد میکند ، گرانی سرسام آور شده است ، آزادیهای فردی یکی پس از دیگری سلب میگردد و خلاصه این اوضاع باعث شده که افراد هیئت حاکمه را در یک کلاف سر در گم فرو برد و در این میان اظهار دارند که وضع همانست و فقط سر عوض شده است . ولی بتگریسد چاپلوسی ونوکرمشئی تا چه حد که حزب توده بخاطر اشغال کرسیهایی در مجلس آینده چنان به تقلا میافتد که حاضر است به هر تعریف و تمجیدی دست زند .

در همین شماره در جای دیگر اعلام میدارد : " جهاد برای سازندگی قانونمندی تداوم و تثبیت دستاوردهای انقلاب است ، حال مشاهده نمائید اینان چگونه با تحقیر هر چه بیشتر خود و دنباله روی از سیاستها ، حرکات و تاکتیکهای حکومت سعی در نزدیکی به اینان نموده و جالبتر اینکه همه این اعمال پلید را بنام کمونیست و مدافع طبقه کارگر انجام میدهند .

طبقه کارگر ایران اعمال دور و نزدیک این رویزونیستها را در شکلهای گوناگون دیده و شناخته و هر گز گول اینان را نخواهد خورد . نکته جالب در اینست که این شیرینکاریها را که بخاطر جلب نظر دولت و حکومت میکنند تا جائیکه با حزب جمهوری اسلامی در تمجید آن مسابقه بستهاند ، نیز قادر به جلب نظر حتی هیئت حاکمه نشده و با تمام این بدبختیها مفتخر به دریافت حکم اجتهاد آیت الهی از طرف اینان نخواهند شد . و چیزیکه نصیب اینان میشود بمانند همه ایوتونیستها و رویزونیستها رانده و مانده شدن و روسیاهی است .

استالین معلم...

رفیق استالین میگوید : امرانتقاد از خود ، پایه حزب بلشویک و پایه رژیم دیکتاتوری پرولتاریاست . اگر کشور ما یک کشور دیکتاتوری پرولتاریاست و اگر دیکتاتوری پرولتاریا فقط بوسیله یک حزب - حزب کمونیست - رهبری میشود که قدرت را با اجزای دیگر تقسیم نمیکند و نمیتواند تقسیم کند ، در این صورت ، روشن است که اگر بخواهیم پیشرفت کنیم ، خود باید اشتباهات خویش را کشف و تصحیح نمائیم .

رفیق استالین بما میآموزد که انتقاد از خود یک مند خاص متد بلشویکی تربیت کادرهاست .

بعضی از رفقا فکر میکنند که کنترل افراد جز از بالا امکان پذیر نیست و رهبران باید رهبری شوندگان را برحسب نتایج کارشان کنترل کنند . این اشتباه است . بدون شک کنترل از بالا بعنوان یکی از تدابیر قاطع کنترل افراد و اجرای وظایفی که برای ایشان تعیین شده است ضروری است . اما این نوع کنترل تمام وظایفی را که مربوط به کنترل است ، عمیقاً در برنمیگیرد نوع دیگری از کنترل ، کنترل از پائین وجود دارد که بوسیله آن ، رهبری شوندگان رهبران خود را کنترل میکنند ، اشتباهات ایشان را آشکار میسازند و طرق صحیح آنرا نشان میدهند .

بالاخره ملت رهبران کشور را طی انتخابات ارگانهای قدرت اتحاد شوروی ، انتخاباتی که با مراجعه به آراء عمومی مساوی ، مستقیم و با رأی مخفی صورت میگیرد ، کنترل مینماید . وظیفه اساسی از آنست که کنترل از بالا ، با کنترل از پائین مرتبط باشد .

..... لازمه اجرای پیگیر امرانتقاد از خود ، مبارزه شدید علیه کسانی است که از گسترش آن ممانعت نموده و از آن جلوگیری میکنند . این امر مستلزم آنست که کلیه کسانی که فعلا نه به انتقاد سالم میپردازند مستمراً از هر شکنجه و آزاری در امان باشد تا کسی که بانتقاد سالم و پاک میپردازد ، وجودنیروی دست جمعی متشکلی را در پشت سر خود حسر کند .

فکر مبارزه علیه اشتباهات و نواقص نمیتواند مورد تآیی تودهها قرار گیرد ، مگر اینکه آنها اطمینان داشته باشند که اثبات و آشکار ساختن نقائص دارای نتایج خواهد بود . رفیق استالین بما میآموزد که باید مبارزه بی رحمانه ای را علیه هر گونه اختناق و آزار و خاموش ساختن انتقاد از خود دنبال کرد . رفیق استالین میگوید : خاموش ساختن انتقاد از خود ، بمعنی کشتن همه ابتکار تشکیلاتی حزب ، بمعنی " آربین بردن اعتبار دستگاه رهبری " نزد تودههای حزبی ، بمعنی تجزیه حزب و ایجاد خصائل مخالف حزب ، خصائل بوروکراتها و دشمنان سوگند خورده حزب ، در حیات سازمانهای حزبی است .

رفیق استالین پیوسته ما را هوشیار میدارد که غرور و خودبینی زیور یک انسان بلشویک نیست بلکه زیور او حجب و فروتنی است و هر مسئولی در پستی که باشد ، خادم خلق است . ارتباط دائمی مسئول با تودهها ، تمایل تعلیم کرفس از ایشان ، تصحیح اشتباهاتی که از جانب کارگران به او خاطر نشان میشود ، چنین است آئین رهبری بلشویکی .

رفیق استالین بما میآموزد که در کار روزانه نباید جامد ماند و منحصر " بر روی فرمولهای کهنه شده زندگی کرد بلکه لازم است در تجربیات روزانه غور نمود و اشتباهات را دلیرانه تصحیح کرد تا حیات نوین با روح خلاقه ترکیب یابد . اجرای رهبری با روح آفریننده بدین معنی است که باید تجربیات روزانه تحول جامعه و مبارزه را بنا بر ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم مورد بررسی قرار داد ، آنها را با یک روش علمی تعمیم بخشید و در اداره کار روزانه عملی ساخت . رفیق استالین میگوید : خلق شوروی به حزب ما اعتماد بی پایان دارد . خلق شوروی حزب

لنین و استالین را دوست میدارد و آنرا بمثابه حزب خویش که حزبی بسیار نزدیک به اوست ، میشناسد . رفیق استالین ، به اعتماد خلق بی اندازه ارج میگذازد و به حزب میآموزد که باین اعتماد اهمیت شایان قائل شود . تمام افراد شوروی سخنان مهیجی را که رهبر بزرگ ما در ۲۴ مه ۱۹۴۵ طی مجلس جشنی در کرملین بافتخار سران ارتش سرخ بر پا شده بود ایراد کرد ، بیاد دارند . در آن هنگام رفیق استالین جام خود را بسلامتی خلق شوروی بالا برد و از انسانهای شوروی ، بعلت اتحادی که در لحظات دشوار جنگ کبیر میهنی نسبت به حکومت شوروی خویش ، از خود نشان داده بودند ، صمیمانه تشکر کرد . ملت ما تحت رهبری رفیق استالین با گامهای مطمئن در جاده کمونیسم پیش میرود . بی پایانی دیدگان خود را بسوی رفیق استالین معطوف میدارند . بشریت ترقیخواه در شخص رفیق استالین رهبر و آموزگار محبوب خود را مشاهده میکند . او میدانند و ایمان دارد که آئین لنین و استالین شکست ناپذیر است .

سعادت آزاد باید گردد.

دستگیری سعادت عضو سازمان مجاهدین خلق ایران با اتهام ارتباط با روسیه بار دیگر ماهیت دولتی را که مستقیماً در مقابل مردم قرار گرفته است نشان میدهد. دولت علی رغم اعتراضات عمومی که همگی خواست آزادی سعادت را در بر دارند اقدام برای آزادی او بعمل نیاورده، سهل است حتی در برپائی آشوب و تحریک فالانژها اگر دست نداشته باشد! حد اقل میدان میدهد تا آزادانه مانع تظاهرات بحق مردم گردند. سعادت به چه جرمی دستگیر شد؟ اگر بجرم ارتباط با روسیه دستگیر شد و اگر واقعا جرم اینست، چرا حزب توده که بی هیچ شبهه با روسیه در ارتباط است آزادانه فعالیت میکند و حتی در میتینگ روز پنجشنبه گذشته در دانشکده صنعتی از طرف افراد کمیته زنده باد حزب توده نیز میشود؟ ولی سعادت به زندان و شکنجه گرفتار میآید؟! واقعا "عجیب است!!".

تعجب بعدی ما اینست که چرا اینهمه آدمها که در ارتباط با آمریکا و انگلیس و... هستند دستگیر نمیشوند؟! و باید کسانی که با روسیه در "ارتباط" هستند دستگیر گردند. هستند در دنیا نیروهای انقلابی فراوانی که بعزت عدم درک درست و شناختن چهره امپریالیستی شوروی گول نقاب سوسیالیستی آنها خورده و با آن در ارتباط هستند که نمونه آن جنبش فلسطین - جنبش ظفار و... اگر برقرار کردن "ارتباط" سزاوار شکنجه است پس چرا دولت از یاسر عرفات در ایران پذیرائی نمود؟! معلوم است که این لاطائلاتی که دولت میبافد حرف مفتی بیش نیست. مردم در سرتاسر ایران خواهان آزادی سعادت هستند. *

در حاشیه

صحن دانشگاه خشک نشده است، هنوز پیشقراولان اعتصابات عظیم نفت بر علیه رژیم شاه، غل و زنجیر "عدل اسلامی" را بر دست و پای خویش میکشند، هنوز مردم "مجلس خیرهگان" تحمیلی بورژوازی را درست هضم نکردهاند، هنوز چند روزی از احیاء قانون سیاه - ۱۳۱۰ که توسط رضاخان قلدرد علیه دموکراسی و کمونیسم تنظیم شده است، نمیگذرد، هنوز تلخی از دست دادن امید گرفتن آزادی و دموکراسی از دست بورژوازی وجدان تودهها را میآزارد که بناکهان هیئت حاکمه میکوشد که با یک زست "دمکرات" مشانه و قلابی توسط وزیر امور خارجه، خود را آزادمتش و آزاده معرفی کند! و چه خندهآور است که این توطئه دولت بدست وزیری انجام میکیرد که آن توجیه مسخره را از حمله سنای آمریکا بدادگاههای انقلاب انجام داد. یعنی آقای وزیری که تا کنون حتی قادر نشده است که هزار و یک پیوند آشکار و پنهان خود را با امپریالیسم آمریکا برای مردم ایران توجیه کند.

حزب ما معتقد است که شرکت احزاب مختلف اپوزیسیون، در جلسه دعوتی وزارت خارجه، هیچ فایده و حاصلی برای سیاست خارجی ایران نخواهد داشت و فقط آبی خواهد بود ریخته در آسیاب عوامفریبی دولت رسمی و دولت کمیتهها! بهمین جهت ما نه فقط از شرکت در این جلسه خودداری میکنیم بلکه از کلبه نیروهای دمکراتیک و ملی دعوت میکنیم که همین سیاست را در قبال این تاکتیک توطئه آمیز بورژوازی مکار ایران در پیش گیرند. *

حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران

چهارشنبه ۶ خرداد ماه ۱۳۵۸

گزارشی از...

سال است که مربوط به معاون سازمان امنیت بجنورد میباشد. در جلسه دادگاه تیمسار قادری فرمانده پادگان بجنورد عدهای از نظامیان از متهم بدفاع برخاستند. در گفتگوی خصوصی با یک نظامی سؤال شد که چرا از آدم فاسد دفاع میکنید؟ جواب داد رژیم عوض شده است ولی ما که عوض نشدهایم. وضعیت دادگاه آنقدر افتضاح است که غیر از عده معدودی مذهبیون قشری بقیه ناراحت هستند. متهمین که خیانتها و جنایاتشان محرز میباشد برای خوشایند قشربون از شیوهها و روشهای سردمدارشان نادری پور (معروف به تهرانی) استفاده نموده و برای رهایی از کیفر، اغلب راجع به مبارزات ضد خلقی و ضد کمونیستی شان داد سخن داده و جلسات دادگاه را تبدیل به حمله به کمونیستها و عناصر ترقیخواه نمودهاند. *

معنای آزادی

رجوع کرد، او را به طریقی سرگرم نموده و فوراً ما را باخبر ساز.

اینست معنای دموکراسی بورژوائی. از دولت سرمایه داری بازگان که مشخصاً حامی منافع سرمایه داران است، غیر از این نمیشود انتظار دیگری داشت. زمانی، این آقایان که در هیئت حاکمه کنونی هستند به تودهها وعده و وعید میدادند که آزادی را برقرار خواهند ساخت و حتی مارکسیستها حق ابراز عقائد خود و تبلیغ آنها دارند. ولی این آقایان باید بدانند که تودهها را برای همیشه نمیتوان فریب داد، و هر روز که میگذرد تودهها بیشتر بماهیت آنها پی میبرند و درمییابند برای رسیدن به آزادی واقعی، که فقط با برقراری جمهوری دمکراتیک تودههای برهبری کارگران و حزب پیشتازشان، حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران امکان پذیر است، باید بطور متشکل برای احقاق حقوق خود مبارزه نمایند. *

دولت ضد

جیره خوار خود را بر سر کسانی میریزند که در رثای آزادی گرد هم آمدهاند. اینان در یک معنی "دمکرات اند" و آن در با تشر کشیدن کتابهای مذهبی با کتب علمی در یکجاست. در دستگیری حماد شیبانی از سازمان چریکهای فدائی خلق و بزیز شکنجه کشیدن سعادت از سازمان مجاهدین خلق میباشد.

مجلس مؤسسان و شوراهای

دولت موقت میخواهد تا تنور وعاشش گرم است، نان را به تنور بچسباند، و قوانین خود را که ریشه در استثمار و استعمار دارد، هر چه زودتر به تصویب برساند. با اندک تاملی میتوان دریافت، دولتی که هر وقت خواست بحق خلق در میان است، همه را "صبر" دعوت میکند، چگونه هنگامیکه خواست ضد انقلابی و ضد کارگری اش در میان است مذبحخانه میکوشد تا به تعجیل از تصویب "خبرگان" رایبنده حاصل دسترنج زحمتکشان که سالیان دراز عجله را کار شیاطین میدانستند، بگذراند. اینان از روشن شدن امر حق از باطل در برابر خلق بوحشت دچار گشته و حتی فرصت تنفس یک ماهه خود را بر بقیه در صفحه ۶

یادداشتهایی

چینی با روشی ضد مارکسیستی و طریقی غیر دوستانه که در روابط رفیقانه غیر قابل قبول است، راهسای تصمیم گرفتند و آنهم چه تصمیمی! که حتی بطور فرمایشی هم که شده، آنها میبایستی آداب روسی را در مورد متحد و همرمز خود رعایت میکردند، آنها سعی کردند تا به خشن ترین صورت ممکنه یک کنفرانس غیر قابل قبول را بر ما تحمیل کنند. رفقای چینی چگونه از شرایط واهی ارزیابی کردند؟ به در ماندهترین شیوه ممکنه. اگر آنها را همواره مارکسیست بیانگاریم بآنجا میرسیم که آنها نه با سر بلکه با پای خود میانداشند، اما بهر حال بهر طریقی اندیشیده باشند، چه با سر، چه با قلب و چه با پا؟ این یک شیوه قضاوت رویزیونیستی است که بطرف نتایج رویزیونیستی کرایش دارد.

رفیق انورخوجه سپس مینویسد: سخن کوتاه، سقوط خروشچف برای آنها همه چیز است. بنظر آنها قسمت بزرگ کار انجام گرفته است، و دیگر حل کلیه مسائل برای آنها تنها یک مسئله زمانی است. رفقای چینی میگویند: "ما باید دستهای خود را بطرف رفقای شوروی بگیریم، بسوی رفقای خروشچف؟ گذشته را بدست فراموشی بسپاریم و بر روی آن خط بکشیم. ما باید رفقای شوروی را درک کنیم!" و همواره بر این عقیده اند که: "ما باید به این رفقای نازنین شوروی کمک کنیم. خروشچف و خروشچفیسمرده است. هیچکس برای بازشناختن اشتباهات مرتکب شده و انتقاد از خود باقی نمانده است؟" در ضمن: "رفقای عزیز شوروی، بدنبال سقوط خروشچف انتقاد از خودی که وظیفه شان بود انجام دادند." رفقای چین سپس در جوار چوئن لای در برابر سفر چین ادامه میدهند: "حال تنها این باقی مانده است که چمدانها را ببندیم که وقت کم است و برای ربوبوسی در روز جشن انقلاب کیبیر سوسیالیستی اکتبر به مسکو برویم. این هم نمایش مآبانه است و هم پر هیبت، چون چنین جشنی حتماً پر شکوه و جلال خواهد بود، که چوئن لای صحنه پردازهای آنها در

جشن اول اکتبر بخاطر دارد. پس "انقلابی وار" به مسکو برویم و با "انقلابیون بزرگی" که در آنجا برخورد خواهیم کرد، وحدت را بنا نهیم. چه کمیدی!! چوئن لای به این نیز کفایت نکرد و در برابر سفرای دیگر برخاسته و به سفیر ما گفت: "میدانم که شما روابط دیپلماتیک با آنها ندارید. زیرا شورویها روابط را قطع کردهاند. اما حال که خروشچف برکنار شده است کسی دیگر برای انتقاد از خود وجود ندارد. پس محمد شیخو، زود چمدانهایش را ببندد و برای جشن راهی مسکو شود!" و سپس اضافه کرده است که: "بلافاصله بعد از شما، من ژنرال نسکف را خواهم پذیرفت و از او خواهم خواست که شورای عالی شوراهای، دوازده کشور سوسیالیستی را به جشن دعوت کند." او حتی فراموش نکرد تا به سفر او به خصوص خطاب به سفیر رومانی - چون آنطور که بمن گفتند آنها قبلاً با هم کنار آمده بودند - بگوید: "اگر در بین شما، کسی پیشنهاد مشخصی دارد آنرا بطور مستقیم با شورویها مطرح سازد. یعنی شما میتوانید پیشنهاد کنید تا یوگسلاویها را به جشن دعوت کنند و ما بهیچ وجه مخالف آن نیستیم، بر عکس خیلی هم خوشوقتیم."

چه خیانتی! این تصمیم گیری، این شیوه تفکر و این شیوه مطرح نمودن مسئله به این مهمی برای سرنوشت کنونی، با رفاقی از مارکسیسم لنینیسم در خود ندارد. تمام اینها ضد مارکسیستی است، فرصت طلبانه و رویزیونیستی است، این یک خیانت است و کاملاً بشیوه عمل خروشچف است. زمانیکه خروشچف برای اولین بار برای ربوبوسی با "تیتو" و معذرت خواستن از "جنایت" استالین بر ضد تیتو و اعاده حیثیت از وی به بلگراد رفت، شباهت دارد. *

مصاحبه با...

خوشبختانه این بار نیز مارکسیست لنینیستهای جهان برهبری داهیانیه حزب کار آلبانی قادر گردیدند این خطر جدید را پیروزمندانه افشا سازند. هم اکنون احزاب مارکسیست لنینیست در سراسر جهان، آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و اروپا توانسته اند شکل بگیرند و رل تاریخی خود را در قبال زحمتکشان کشورهای خودی و همچنین در سطح بین المللی وظایف انترناسیونالیستی خود را نسبت بمبارزات خلق ها بر علیه امپریالیسم بخوبی ایفا کنند.

اکنون اردوگاه سوسیالیستی که در راهس آن آلبانی سوسیالیستی قرار دارد، توانسته است در مبارزات بر علیه انحرافات ایدئولوژیکی گامهای موثری بردارد، که خود باعث استحکام وحدت جنبش کمونیستی جهانی است. در حال حاضر احزاب مارکسیستی لنینیستی با نشست های دو جانبه و یا چند جانبه خود گامهای موثری در جهت این وحدت برمیدارند و حزب ما امیدوار است که این نشستها هر چه بیشتر انجام گیرد. و در این راه حزب کمونیست کارگران فرانسه از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد. در خاتمه ما از دعوتی که رفقای حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران از ما بعمل آورده است از صمیم قلب تشکر میکنیم. *

حزب توده

که کسی از آن چیزی شنیده بود سخنرانی ترتیب میدادند اینک یک سری دانستهها را توسط تهرانی تکرار کند و در لابلای آن، منظور پلید خویش را پیش برد. تهرانی با قرار دادن در سازمان انقلابی و حزب توده در کنار کمونیستها و میهن پرستان جز لکه دار کردن آنها منظوری نداشت. حزب ما همواره از وقتیکه بعنوان سازمان مارکسیست لنینیستی توفان فعالیت میکرد سازمان انقلابی را پلیسی ارزیابی نمود و همکاری اش را با ساواک اعلام کرده بود و نیز در سال ۵۶ با پخش اعلامیههای در مورد سیروس نهایندی پلیس بودنش را افشا نمود و نیز در مورد حزب توده که بعد از بروز رویزیونیسم در آن، که خود بهترین زمینه برای رشد عناصر فرصت طلب و در نتیجه رختا پلیس بود بارها و بارها اعلام کرد تا انقلابیون در دام این سازمانها گرفتار نیابند. اما همواره اپورتونیستهای بودند که از این سازمانها دفاع میکردند و سعی مینمودند بهر طریقی که بود راهی برای آشتی با آنها باز نمایند. *

به آدرس زیر با ما مکاتبه کنید: ۸

تهران - صندوق پستی ۶۴/۹۳۹ ناحیه ۱۶

لطفاً از این آدرس فقط برای مکاتبات عادی استفاده کنید و به هیچوجه اسم و آدرس خود را قید نفرمائید

وظیفه هر مسد دست است

یادداشت‌هایی در مورد چین

● نظرات چوئن لای در برخورد با رویزیونیست های خروشچفی مملو از نقشه های خطرناک برای امارکسیسم لنینیسم می باشد.

— اثر داهیانه رفیق انور خوجه — (از صدای آلبانی بفرسی) کتاب یادداشت‌هایی در مورد چین برای اولین بار در ژانویه ۱۹۷۸ در اختیار حزب (کارآلبانی) برای مطالعه قرار گرفت . اینک اولین جلد کتاب در دسترس عموم قرار گرفته و حاوی یادداشت‌هایی از رویدادهای سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۲ است . اثر جدید رفیق انور خوجه ثمره کار سالیان دراز و گواهی است جدید در مبارزه اصولی و آشتی ناپذیر حزب کار آلبانی برای دفاع از مارکسیسم لنینیسم بر علیه کلیه جریانات رویزیونیستی جدید . در " یادداشت‌هایی در مورد چین " خواننده از برای مدارک رویدادها و تحلیل های عمیق و همه جانبه مارکسیستی لنینیستی با دلائل اینکه محور سیاست چین چرا از سال ۱۹۶۲ تا با امروز سه بار تغییر کرده است ، آشنا میشود . باین صورت که از یک سیاست منفرد و بسته ناکهان به سیاستی کاملا باز و متغییل به بستن قرارداد ، و داشتن روابط با کشورهای امپریالیستی و رویزیونیستی تبدیل میشود . و اینکه چگونه از سیاست " ضد امپریالیستی " و " ضد رویزیونیستی " بصورت سیاستی در اتحاد با امپریالیسم آمریکا و سرمایه جهانی و رویزیونیستهای یوگسلاوی و دیگر رویزیونیستها در میآید .

رفیق انور خوجه با استدلالی عمیق ، فرمولهای بی اعتبار و برداشتهای ضد مارکسیستی و مواضع براکمانیستی و ارتجاعی این چرخشها و تغییرات را رد میکند . او با آوردن نمونهها و مدارکی از چین توضیح میدهد که تغییرات بی درسی در استراتژی چین از منی ضد مارکسیستی رهبری چین از مبارزه داخلی حزب کمونیست چین ، که در آنجا مرزها و جریانات متضاد رشد یافته و نایکدیگر سرخورد نموده میباشد .

کتاب " یادداشت‌هایی در مورد چین " به کمونیستها و زحمتکشان آلبانی کمک خواهد نمود تا هر چه بیشتر سیر تحول رویزیونیسم در چین ، مبارزه حزب کار آلبانی را بر ضد آن و هر نوع ایوریونیسم ، بر ضد بورژوازی و ارجاع بنساخت . این کتاب در خدمت آموزش انقلابی ، ایدئولوژیکی و سیاسی بودهها قرار دارد .

ایک سرکی از دسر " یادداشت‌هایی در مورد چین " فراوی ما است . در اس برک راهبمانی چینیا بسوی مسکو برای شادباس کوئی بد دارو دسد برریف بس ار برکناری خروشچف ثبت سده اس .

۷ نوامبر ۱۹۶۴ - برای تهنیت گوئی به برژنف در بقدرت رسیدنش راهی مسکو شویم !! رهبری چین در عدد زحمت کردن اس عظیم بد حزب کار آلبانی نبر بود ، عظیم بادرسی که در خدمت بقویب مواضع

گزارشی از

دادگاه انقلاب بجنورد

● وضعیت دادگاه آنقدر افتضاح است که غیر از عده معدودی مذهبیون قشری بقیه ناراحت هستند.

دادگاههای انقلاب سپرسان بجنورد از اواخر خردادماه سکیل سد و ماء سفاه از همان جلسه اول معلوم بود که دادگاه صد سرئه حیاسکاران را دارد . جلسات دادگاه تبدیل به بفریح و خنده روستا و حصار سده بود ، زیرا ساواکیها اعضای دادگاه را دسب انداخته بودند . صلا" از فردی بنام غلام سخواسنیان سؤال سد که سما در ماه چقدر از ساواک مسمری میگرفتید ؟ جواب داد : ۱۵۰ تومان و بلافاصله قسم خورد که بخدا همان مبلغ را برای مسصغفین خرج میکردم . رئیس دادگاه شیخی است که تازه از قم وارد سده و هیچ در جریان امور نمیباشد : در کنار رئیس دادگاه فرماندار سهر و یک دکاندار که سابقا" در جلسات ضد بهائیت سرک میکرد مینشیند . تا کنون بزرگترین محکومیت در دادگاه باصطلاح انقلاب شهر چهار بقیه در صفحه ۵

مسابقه 'حزب توده ایران' با حزب جمهوری اسلامی

● سرنوشت کنونی " کمیته مرکزی حزب توده " عبرت انگیز است .

رویزیونیستهای حزب توده ایران در گذشته ، همیشه سعی کردهاند به یک نوعی ارادت خود را به رژیم منفور پهلوی به اثبات رسانند ولی هر گاه که به آنها نسبت سازش با هیئت فرمانروای ایران داده شد ، به پرخاش برخاستند و سوکندهای گران در پاکدامنی خویش یاد کردند . این تبرئه جوئی را عموما" در دورانهائی انجام میدادند که تضاد میان امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی در ایران بشدت میگرائید و جانب گیری محمد رضا شاه از امپریالیسم آمریکا وظیفه تاخت و تاز به محمد رضاشاه را در برابر رویزیونیستهای حزب توده ایران در جانب گیری از منافع شوروی ، قرار میداد .

سرنوشت کنونی کمیته مرکزی حزب توده عبرت انگیز است ، اگر در گذشته بدیگران که ویرا متهم به همکاری با رژیم ایران میکردند ، تهمت میزدند و ناسزا میگفتند ، امروز چنان غرق در منجلاب خیانت ، نسبت به خلق ایران و سازش با حکومت سرمایه گردیدهاند که حتی خود صاحبان حکومت را یارای این چنین سینه چاکی برای خویش نیست .

" مردم " دوره هفتم شماره ۳۰ شنبه ۲ تیرماه ۱۳۵۸ در مقاله‌ای در پاسخ اعتراض شهر دار میانه میآورد :

آقای شهردار میانه ! " حرفهای شما بسود امپریالیسم و ارتجاع است . " حرفهای شهردار میانه که برخی روزنامهها با تیتیر درشت بیان کرد- چنین بود :

" اختناق و استبداد همچنان هست و تنها سر عوض شده ، بقیه در صفحه ۳

قرار داد ، در اینجا بار دیگر بخشی از مقاله " پیش بسوی جمهوری دمکراتیک توده‌ای ! " که در شماره ۱۸ توفان اواخر بهمن ۱۳۵۷ ، ارگان مرکزی حزب مندرج شده ، را یادآور میشویم : " در برابر تشکیلات ضد انقلابی بورژوازی فقط یک تشکیلات انقلابی پرولتری که بتواند وسیعترین توده‌های کارگران و زحمتکشان را در مقابله با کرایشهای ضد دمکراتیک و تزلزلهای بورژوازی رهبری کند ، پاسخگو میباشد . بسوی کارگران و کلیه زحمتکشان شهر و ده تنها راه مقابله با بورژوازی ضد انقلابی است که اکنون دیگر از کمترین " قطرات جوهریه رقی " بی بهره شده است . دولت بازرگان برای ممانعت ادامه انقلاب و پایمال کردن بسیاری از دستاوردهای انقلاب بسرعت مشغول سازماندهی و متشکل کردن صفوف نیروها بورژوازی تازه بدوران رسیده است . برای ادامه انقلاب ، برا حفظ و گسترش دستاوردهای آن مصمانه و بی درنگ بسازمانده و متشکل کردن توده‌های وسیع کارگران و همه زحمتکشان شهر روستا - بگرد پرچم گردان پیشتاز طبقه کارگر ، حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران - بپردازیم " . *

دارو دسته برژنف بود . با تحلیل از خصلت ضد مارکسیستی این موضع ، رفیق انور خوجه در یادداشت‌های شنبه ۳۱ اکتبر ۱۹۶۴ تحت عنوان " ما با این نظر چوئن لای مطلقا" نمیتوانیم کنار بیائیم " مینویسد : نظرات چوئن لای کاملا" برای حزب ما غیر قابل قبول است چه از نظر محتوی و چه از نظر شکل آن . زیرا در برخورد با رویزیونیستهای خروشچفی مطلقا" فرصت طلبانه و سازشکارانه است . این نظر مملو از نقشه‌های خطرناک برای مارکسیسم لنینیسم و مبارزه آتی بر ضد رویزیونیستهای جدید میباشد . نظریاتی که برای حزب ما تماما" تحریک آمیز است . نظریات چوئن لای که بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در مورد سرنوئی خروشچف و در مورد کسانیکه او را برکنار کردند ، در باره اهدافشان و سیاست آتی آنها در باره وحدت جنبش بین المللی کمونیستی و وحدت اردوگاه سوسیالیستی و همچنین در مورد عملکرد و مشی بی که باید بر ضد امپریالیسم و رویزیونیسم جدید دنبال نماید ، و جهت گیریهای کلیدی در اوضاع جدیدی که ایجاد شده است ، به نظر من به یک کلام از این سر تا به آن سر سازشکارانه و فرصت طلبانه است . این برداشتها گواه تسلیم در برابر رویزیونیستهای جدید است ، ما مطلقا" نمیتوانیم بر این نظریات چوئن لای صحه بگذاریم چه این نظریات سر تا سر رویزیونیستی است . ضد مارکسیستی است و سازشکارانه بوده و در راه خیانت به مارکسیسم لنینیسم به پیش میرود .

ارزیابی چینیا در مورد مبارزه بر ضد رویزیونیستها در این شرایط به ترتیبی که چوئن لای در برابر سفرا بیان کرده است ، بروشنی نشان میدهد که چینیا از این مبارزه که برایشان بار گرانی است خسته شده و خواهان عقب نشینی اند . آنها سرنوئی خروشچف را بعنوان بهترین موقعیت ارزیابی میکنند تا بطور " آبرومندانهای " دست به عقب نشینی بزنند . رفقای بقیه در صفحه ۵

دولت ضد ...

مردم حرام میکنند اینان که تا دیروز به امر شوراها تن درنمیدادند ، امروز برای کج کردن افراد ناآگاه و متعصب مسئله شوراها را بمیان میکشند تا از یکسو قوانین خویش را بر آنان حکمفرما سازند و از سوی دیگر با آشفته کردن بازار ، توندها را از قانون اساسی و مجلس مؤسسان به جای دیگری معطوف گردانند .

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران چه در هنگام انقلاب دوشادوش خلق و چه پس از قیام مسلحانه خلقهای ستمدیده ایران ، ارزیابی و رهنمودهای خویش را از این دولت صریح و روشن در دسترس زحمتکشان و کسانیکه دلپاشان در کروآزادی و اسفلال میهن و ریسه کن کردن استثمار انسان از انسان میتپد

مصاحبه با حزب کمونیست کارگران فرانسه

بقیه از شماره قبل

" قسم دوم از مصاحبه هیئت تحریریه توفان با هیئت نمایندگی حزب کمونیست کارگران فرانسه " س - در باره مسائل بین المللی جنبش کمونیستی نظر شما چیست ؟ ج - جنبش کمونیستی در عرض ۱۸ سال گذشته دچار لطمات شدیدی از طرف رویزیونیسم جهانی شده است . رویزیونیسم خروشچفی و حاملین ثغوری سه جهان ماثو که اساسا" دارای یک هدف مشترک بودند ، هر دوی اینها بخاطر شرکت در غارت خلقهای جهان از در مصالحه با امپریالیسم جهانی درآمدند . هر دوی اینها بر این عقیده شدند که امپریالیسم دیگر خوی درندگی خود را از دست داده است ، و سکهای زنجیری آنها نیز به وطن پرستی و ملی خوی گرفته‌اند .

- ۱ - شبه تئوری سه جهان .
 - ۲ - اعتقاد بوجود مشی های مختلف در درون حزب کمونیست
 - ۳ - نفی دیکتاتوری پرولتاریا .
- بقیه در صفحه ۵

مرگ برعمال سوسال امپریالیسم روس